

■ **ایران در پسا‌جنگ تحمیلی اول**

اگر تاریخ ملت‌های بزرگ را با دقت بخوانیم، بی‌شوایم برد که قدرت‌های ماندگار نه در روزهای آرامش، بلکه در دوره بحران‌های بزرگ ساخته شده‌اند.در منطق تاریخ معاصر خود، یکی از روشن‌ترین شواهد این قاعده است.

کشوری که در پایان جنگ هشت‌ساله با عراق، با ویرانه‌های زیرساختی، اقتصادی خسته، تحریم‌های گسترده و فشارهای بین‌المللی روبه‌رو بود، در طول سه دهه مسیری را پیمود که بسیاری از کارشناسان دنیا آن را پیش‌بینی نمی‌کردند؛ رشد علمی انفجاری، خوداتکایی دفاعی، جهش قابل توجه در فناوری‌های نوین و تبدیل شدن به یک قدرت راهبردی در منطقه، اما حالا که در حال پشت‌سر گذاشتن جنگ تحمیلی سوم هستیم و تا به امروز دشمنان با همه توان و ائتلاف گسترده خود به هیچ‌کدام از چهار هدف مهم اعلامی خود نرسیده‌اند و همان‌طور که ذکر شد، بار دیگر بر سرش بنیادین مذکور پیش‌روی افکار عمومی و نخبگانی قرار گرفته است. آیا الگوی «جهش پس از بحران» این بار نیز در ایران تکرار خواهد شد؟ برای دریافت پاسخ این سؤال مهم باید به شرایط پسا‌جنگ تحمیلی اول بر گردیم و بررسی کنیم به چه دلایلی ایرانی که بسیاری از کارشناسان برجسته جهان، به دلایل شرایط نامناسب و ضعف و نیازهای این کشور پس از جنگ، امیدى به دوام و آینده آن نداشتند، در طول سه دهه چنان روند رو به رشدی را طی کرد که در پسا‌جنگ از حوزه‌ها جزو چند کشور برتر جهان قرار گرفت.
با به عبارت دیگر، برای فهمیدن آنچه پس از جنگ اخیر ممکن است، ابتدا باید درک کرد که در ایران چگونه پس از جنگ عراق، در شرایطی به‌مراتب دشوار تر از اکنون، به چنین پیشرفت‌هایی رسید. به اعتقاد نویسنده، پاسخ در چند محور کلیدی نهفته است.

■ **مهم‌ترین دلایل پیشرفت ایران پس از جنگ ۸ ساله اول**، «جبار به خودسازی» (Forced Self-Reliance)، تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی، ایران را در موقعیتی قرار داد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه هرگز آن را تجربه نکردند. همین اجبار بود که باعث حرکت صنعت دفاعی ایران از صفر شد، به‌حدی که بر اساس داده‌های مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IISS)، ایران امروز دارای بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی در خاورمیانه است؛ کشوری که زمانی در تأمین بسیاری از لوازم قطعات یدکی تجهیزات نظامی خریداری شده از آمریکا به شدت مشکل و محدودیت داشت. ایران در ادامه پیشرفت‌های نظامی خود امروز به جایی رسیده که ژنرال کنت مک‌کنزی، فرمانده سابق ستاد مرکزی آمریکا، در سال ۲۰۲۲ اذعان کرد:توان موشکی ایران «برتری مؤثر» (Effective Overmatch) بر همسایگان منطقه‌ای خود دارد. دوم، «سرما‌یه‌گذاری راهبردی در علم.» پس از جنگ، ایران به جای صرفاً بازسازی زیرساخت‌های فیزیکی، روی سرما‌یه انسانی نیز سرما‌یه‌گذاری کرد. جمعیت دانشگاهی ایران از حدود ۱۰ هزار نفر در آغاز انقلاب به بیش از ۴/۵میلیون نفر رسید. بر اساس پایگاه داده Scopus، تعداد مقالات علمی ایران از ۸۲۲ مورد در سال ۱۹۹۶ به بیش از ۵۰ هزار مقاله در شرایط اوج خود در سال رسید، یعنی رشدی نزدیک به ۵۰ برابر در کمتر از دو دهه. در سال ۲۰۱۱، ایران تریبل اولیه منطقه را در تولید علم به دست آورد و این یعنی ۱۲ سال زودتر از هدف چشم‌انداز ۱۴۰۴.

سوم، «خوداتکایی در بخش سلامت و فناوری دارویی.» ایران در حوزه مهم سلامت و دارو نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته، به‌حدی که موفق شده ۸۵ تا ۹۶ درصد داروهای مورد نیاز بازار داخلی خود را تولید کند. در تولید برخی بایوسیمیلارها (داروهای زیستی هم‌راز) (Biosimilars) در منطقه پیشرو شد و داروهای خود را برای ۱۷ کشور دنیا صادر کرده است. یونسکو در گزارش علمی خود در کل بخش‌های ایران در سال ۲۰۱۶ تعداد تولیدات علمی حوزه سلامت ایران بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ پاد می‌کند.

چهارم، «جهش در فناوری‌های نوین.» ایران در دهه‌های اخیر توجه ویژه‌ای به فناوری‌های نوین و اقتصاد دانش‌بنیان داشته است و در بسیاری از حوزه‌ها دستاوردهای قابل توجهی دارد. ایران در حوزه نانو‌فناوری (Nanotechnology) به رتبه ششم جهان در تولید مقالات علمی رسید. در شاخص «مقالات نانو‌فناوری به‌ازای تولید داخلی» بر حسب قدرت خرید (GDP by PPP)» با عدد ۶/۰۵، رتبه توم جهان را به خود اختصاص داده که نشان‌دهنده کارایی استثنایی در تبدیل منابع محدود به خروجی علمی قابل توجه است. سهم پنتا‌جنگ‌های نانو‌فناوری از کل بخش‌های ایران در سال ۲۰۲۴ به ۲۵ درصد رسید و رتبه اول جهان را به خوداختصاص داد.

پنجم، «راهبرد نظامی نامتقارن» (Asymetric Mili-tary Strategy). ایران با درک محدودیت‌های خود در رقابت‌های نظامی سنتی، در حوزه‌های سرما‌یه‌گذاری کرد که بازدهی بیشتر و هزینه پایین‌تر داشتند، همچون موشک‌های بالستیک (Ballistic Missiles)، پهپادهای تهاجمی (Attack Drones) و جنگ سایبری (Cyber Warfare). اقتصاد این رویکرد، به‌وضوح به نفع ایران تمام‌شده؛ به عنوان مثال، یک پهپاد شاهد بی ۲۰-۵۰ هزار دلار هزینه دارد، در حالی که موشک‌های رهگیر برای انهدام آن بین سه تا ۱۲ میلیون دلار است که مصداق‌های آن در جنگ تحمیلی سوم به وضوح مشاهده شد.

■ **مردم، موتور پیشرفت پنهان**

هر تحلیل درستی از پیشرفت‌های ایران، بدون پرداختن به نقش مهم مردم ناقص است. در نظر‌های توسعه، «سرما‌یه اجتماعی» (Social Capital)، به عنوان یکی از قوی‌ترین پیشران‌های رشد شناخته و ایران در این زمینه یک نمونه استثنایی محسوب می‌شود. مردم ایران در طول دهه‌های پس از جنگ، نقشی فراتر از «صرف‌کننده توسعه» ایفا کردند. دانشمندان، مهندسان، پژوهشگران و محققانی که در شرایط تحریم کار کردند، اغلب با دستمزدهای پایین‌تر از همتایان بین‌المللی خود، اما با انگیزه‌ای که از باور به ضرورت استقلال و خوداتکایی ملی سرچشمه می‌گرفت، فعالیت می‌کردند. کارگران و مدیران بنگاههای تولیدی ایران به عنوان سربازان خط مقدم جنگ اقتصادی، حتی زمانی که دشمن زیرساخت‌های کشور را هدف قرار می‌داد، اجازه ندادند چرخ تولید و اقتصاد کشور لحظه‌ای متوقف شود و نیز نسل جوانی که با وجود محدودیت‌های دسترسی به منابع علمی بین‌المللی، در العیادها و مسابقات علمی جهانی رتبه‌های برتر را کسب کردند.

طبق گزارش یونسکو، حدود هزار پژوهشگر ایرانی در میان

یک درصد برتر استناددارین دانشمندان جهان قرار دارند. در حوزه نانو‌فناوری، شاخص آج (h-index) ایران معادل ۶۱ و در رتبه ششم جهان قرار دارد. واقعیت مهم در این خصوص این است که این آمارها صرفاً محصول نبوغ و تلاش فردی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده یک اراده ملی جمعی برای اثبات توانایی در شرایط محاصره و بیشترین و گسترده‌ترین تحریم‌هاست.

به اعتقاد نویسنده، شاید مهم‌ترین نقش مردم در مسیر پیشرفت پسا‌جنگ تحمیلی اول، «حفظ، تقویت و انتقال حافظه مقاومت» بوده است. هر نسل، تجربه نسل قبل را با خود حمل و به نسل بعدی منتقل کرده است. همان‌طور که جنگ هشت‌ساله نسلی ساخت که بعدها قوی‌ترین موشک‌ها را ساخت یا دانشمند نانو شد، جنگ تحمیلی سوم نیز نسلی خواهد ساخت که دیگر جانیات‌های دشمنان، اثبات مقاومت، شهادت و وطن‌دوستی را از کتاب و رسانه دریافت نکرده، بلکه با پوست و استخوان خود آنها را لمس کرده است که بدون شک، تعمیق و تقویت مکتب مقاومت را به دنبال خواهد داشت. به باور نویسنده، این «سرما‌یه تجربه عینی»، یکی از مهم‌ترین دارایی‌های ناملموس ایران برای جهش بعدی خواهد بود.

■ **امکان جهش دوم ایران از نگاه نظر بهر دازان غربی**
طبیعی است که در بررسی و تحلیل هر موضوعی، مبانی نظری علمی معتبر باید ادعای تحلیلمگر یا نویسنده تأیید کند. به همین دلیل در ادامه، احتمال جهش دوم ایران پس از جنگ تحمیلی سوم را با منطق در نظر به علمی معتبر بررسی می‌کنیم.

مبانی نظری اول، نظریه «ضدشکندگی» (Antifragility) نسیم طالب. نسیم نیکلاس طالب (Nassim Nicholas Taleb)، اقتصاددان و نظریه‌پرداز برجسته لبنانی-آمریکایی، اثر ماندگار خود با عنوان «ضدشکندگی» در سال ۲۰۱۲ Resil- مفهومی را مطرح می‌کند که فراتر از «تاب‌آوری» (Resil- lence) است. سیستم‌های ضدشکندنده فقط در برابر فشار دوام می‌آورند، بلکه از همان فشار قوی‌تری می‌شوند. طالب ایران، از نگاه این نظر، به یک نمونه آموزشی استثنایی از یک سیستم ضدشکندنده است. هر موج تحریم، به‌جای فلج کردن، یک بخش جدید از اقتصاد داخلی این کشور را فعال کرده است و هر محدودیت در واردات فناوری، یک پروژه‌یومی‌سازی جدید را به‌وجود آورده است. به همین دلیل و بر اساس این منطق است که می‌توان گفت جنگ تحمیلی سوم نه یک نقطه پایان، بلکه یک نقطه شروع برای یک موج جدید از ضدشکندگی است.

مبانی نظری دوم، نظریه «مزیت رقابتی ملتها» (Competi-tive Advantage of Nations) مایکل پورتر (Michael Porter) از دانشگاه

هاروارد، در اثر پایه‌ای خود- The Competitive Advan-tage of Nations) نشان داد شرایط نامساعد برای یک کشور

می‌تواند خود یک مزیت رقابتی باشد، به شرطی که نظام ملی

تواند آن را به انگیزه‌ای برای نوآوری و پیشرفت تبدیل کند.

به ادبیات امروز، منظور همان تبدیل تهدید به فرصت است.

پورتر این پدیده را «فشار خلاق» (Creative Pressure)



تحلیل

بازسازی یا باز آفرینی؟ ایران در شرایط پسا‌جنگ تحمیلی سوم

بادی که شمع را خاموش می‌کند، آتش ایران را شعله‌ور می‌کند

مختلف اقتصادی و صنعتی این کشور وارد شده و از طرف دیگر، محدودیت‌ها، تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی وارداتی و داخلی، آیا ایران دوباره می‌تواند روی پای خود بایستد و در مسیر پیشرفت و توسعه قرار گیرد؟ یا به بیان دیگر، آیا ایران می‌تواند شرایط و روند پسا‌جنگ تحمیلی اول را دوباره تکرار و تجربه کند؟ و در نهایت و مهم‌تر از همه اینکه، با توجه به میانی نظری پذیرفته شده جهانی، شواهد تاریخی و تجربه پسا‌جنگ تحمیلی اول، آیا ایران می‌تواند بازسازی را به باز آفرینی تبدیل کند؟ نویسنده در این یادداشت با تکیه بر نظر به‌های علمی معتبر جهانی و شواهد تاریخی مستند، استدلال می‌کند که جهش دوم ایران نه تنها ممکن، بلکه از جهش اول قوی‌تر خواهد بود؛ البته مشروط.

شاهد اول، ژاپن پس از جنگ جهانی دوم است. ژاپن در سال ۱۹۴۵ با بمب اتمی ویرانی کامل زیرساخت‌های صنعتی، افعال نظامی و تحقیر ملی روبه‌رو بود، اما ۲۰ سال بعد به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده بود. معجزه اقتصادی ژاپن محصول سه عامل بود؛ انسجام ملی پس از شکست، سرمایه‌گذاری متمرکز در آموزش و فناوری و تبدیل «شرشکستگی ملی» به انگیزه‌ای برای اثبات توانایی در صحنه اقتصاد جهانی. البته فرهنگ کاری مردم ژاپن در این خصوص نکته مهمی است، اما ایران آن می‌تواند همین‌طور منتقل را در پیشرفت‌های خود در شرایط پسا‌جنگ دنبال کند. شاهد دوم، کره‌جنوبی پس از جنگ کره. کره‌جنوبی در سال ۱۹۵۳ یکی از فقیرترین کشورهای جهان بود و تولید ناخالص داخلی سرانه‌ای پایین‌تر از بسیاری از کشورهای افریقای داشت، اما در طول سه دهه با استراتژی «توسعه صنعتی دولت‌محور» (State-Led Industrial Development) و سرما‌یه‌گذاری مستمر در آموزش عالی و فناوری به یکی از پیشرفته‌ترین اقتصادهای دنیا تبدیل شد. با اینکه ما در سال‌های گذشته اصل ۴۴ و تقویت بخش خصوصی در کشور



مشترک برای توسعه ایجاد می‌کند. از نگاه نویسنده، شرط اصلی بهره‌مندی از این بینش یا چارچوب نظری در ایران، تبدیل «وحدت، انسجام و پشتیبانی از جبهه جنگ» به «وحدت، انسجام و پشتیبانی از جبهه توسعه» است؛ چالشی که در بخش پایانی یادداشت به آن پرداخته خواهد شد.

شواهد تاریخی، وقتی جنگ، کارگانه توسعه می‌شود راهکار دیگری که می‌توان از آن برای اثبات جهش دوباره ایران در پسا‌جنگ تحمیلی سوم استفاده کرد، د توجه به درس‌آمخته‌های تاریخی است. تاریخ معاصر جهان سرشار از شواهدی است که الگوی «جهش پس از بحران» و اثبات می‌کند. در ادامه سه نمونه کلاسیک برای تطبیق با شرایط ایران را مرور می‌کنیم.

را دنبال کردیم و این روند نامفهومه‌های مختلفی را نیز به همراه داشت، اما مقایسه ایران پس از جنگ عراق با کره جنوبی پس از جنگ کره، از منظر نقطه‌شروع دشوار و جهش چشمگیر، یک تطبیق قابل توجه و آموزنده است. شاهد سوم ویتنام پس از جنگ آمریکا، ویتنام پس از سال‌ها جنگ ویرانگر با آمریکا، در دهه ۱۹۸۰ با انزوا ی اقتصادی و تحریم روبه‌رو بود. ویتنامی‌ها با اجرای سیاست «دوی مویی» (Doi Moi) در ۱۹۸۶ مسیر توسعه را آغاز کردند و امروز به یکی از پرسرعت‌ترین اقتصادهای در حال رشد آسیا تبدیل شده است. تشابه ویتنام با ایران در ایستادگی و مقاومت هر دو کشور در مقابل آمریکا و استکبار جهانی است. واقعیت درباره ویتنام بسیار ساده، اما مهم است. آنها خودباوری راهبردی داشتند و هر از گاهی اعتمادشان به توانمندی‌های خود را در اختیار کشور خود استفاده کردند، البته با این تفاوت مهم که ایران امروز از پایگاه علمی و صنعتی بسیار قوی‌تری نسبت به ویتنام در نقطه مشابه تاریخی برخوردار است.

■ **ایران ۱۳۶۷ در برابر ایران ۱۴۰۴: چرایی قوی‌تر بودن جهش دوم**
مقایسه موقعیت ایران در پایان جنگ عراق با موقعیت امروز، تفاوت‌های ساختاری مهمی را نشان می‌دهد که همه آنها به نفع اثبات جهش دوم است. ایران در سال ۱۳۶۷ پیشرفت را با یک جامعه دانشگاهی محدود، صنعت دفاعی نوظا، اقتصاد وابسته به نفت خام و فناوری پایین و دیگر محدودیت‌ها آغاز کرد، اما در سال ۱۴۰۴ در حالی وارد فاز پسا‌جنگ می‌شود که در بسیاری از علوم و فنون جزو چند کشور برتر دنیا قرار دارد، رتبه ششم جهان در نانو‌فناوری، بزرگ‌ترین شهرهای موشکی خاورمیانه، ظرفیت تولید ۱۰ هزار پهپاد در ماه، خوداتکایی ۹۶ درصدی در دارو، رتبه پانزدهم جهان در انتشار مقالات علمی و هزار پژوهشگر یک درصد برتر جهان را در اختیار دارد. در این خصوص باید به یک نکته مهم دقت کنیم که این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، نقطه شروع جهش دوم است نه دستاوردهای پایانی، اما یک تفاوت کلیدی دیگر که اغلب نادیده گرفته می‌شود و احتمال جهش دوم ایران در شرایط پسا‌جنگ را تقویت می‌کند، «آزمون میدانی» است. صنعت دفاعی ایران در جنگ اخیر آموده شد و کارایی خود را اثبات کرد. موشک‌های ایرانی در برابر سامانه‌های پدافندی میلیارد دلاری آمریکا و اسرائیل، از آیرون دام و دیوید اسلینگ و پاتریوت تا پیکان و تاد و امثالهم، کارآمدتر و موفق‌تر ظاهر شد. این گواهی و تأیید میدانی چنان اهمیت و واکاوی دارد که تأیید هیچ آزمایشگاهی نمی‌تواند جایگزین آن شود؛ واقعیتی که بازار جهانی آن را می‌بیند و در تصمیم‌های خود به آن توجه می‌کند. در کنار موارد فوق، شهادت رهبر معظم انقلاب ایران



کشوری که پس از جنگ هشت‌ساله، با دستان خالی، اسما‌اراده‌ای یولادین، صنعتت دفاعی را از صفر ساخت، در بسیاری از فناوری‌ها به رتبه‌های بالا رسید و جزو چند کشور اول جهان شد و در تولید علم انفجاری ترین رشد را در دنیا تجربه کرد، امروز با پایه‌ای به‌مراتب قوی‌تر از دوران پسا‌جنگ عراق وارد هر حله جدیدی از تاریخ خود می‌شود

و اثری که شهادت ایشان در جامعه ایجاد کرد، تعمیق و تقویت انسجام ملی را به همراه داشته و مرزی که میان حامیان و بی‌تفاوتان وجود داشت را به میزان قابل توجهی کم‌رنگ‌تر کرد. است. این انسجام، هزینه‌های تصمیم‌گیری ملی برای سرما‌یه‌گذاری در توسعه را کاهش می‌دهد، مشروط بر اینکه مسئولان ایرانی بتوانند این انسجام و حمایت و انرژی را از خیابان به کارخانه، از کارخانه به اقتصاد، از اقتصاد به بازار و از بازار به معیشت و زندگی مردم منتقل کنند.

■ **جهش دوم؛ باید‌ها و نباید‌ها**

تجربه کشورهای که از بحران به جهش رسیدند، نشان می‌دهد جهش دوم در ایران به خودی‌خود محقق نمی‌شود و سه پیش شرط همزمان؛ انسجام ملی، عقلا‌یت مدیریتتی و سرما‌یه‌گذاری واقعی در علم و صنعت را نیاز دارد. در ادامه چند پیشنهاد برای تحقق این شرایط مطرح و بررسی می‌شود. پیشنهاد و توصیه اول به مسئولان، «تبدیل انسجام جنگ به شرایط پسا‌جنگ این است که وحدت ملی شکل گرفته در خیابان‌ها را با یک پروژه ملی توسعه تبدیل کنند. این یعنی تعریف اهداف ملی مشخص، قابل اندازه‌گیری و قابل دفاع بافق ۱۰ ساله، تخصیص واقعی بودجه به حوزه‌های فناوری پیشرو و شفافیت در گزارش پیشرفت به مردم. در واقع، اقتصاد مقاومتی که رهبر شهید بر آن تأکید داشتند، باید از یک شعار به یک برنامه عملیاتی مشخص باضرب‌الاجل و مسئول اجرایی مشخص و پاسخگو تبدیل شود. شاید برخی معتقد باشند می‌توان برنامه هفتم پیشرفت را در این قالب پیگیری کرد، اما به اعتقاد نویسنده اولاً به دلیل اینکه بسیاری از کارشناسان، مسئولان و حتی برخی از طراحان خود برنامه هفتم، عملیاتی بودن آن را امکان‌پذیر نمی‌دانند و برخی از فصول و بندهای آن را نیازمند اصلاح می‌دانند و ثانیاً اینکه برنامه مدنظر باید به‌صورت مشخص، برنامه‌برگرفته از اتحاد و انسجام ملی کف خیابان‌ها باشد به نحوی که مردم کشورمان آن را در ادامه و تقویت حضور میدانی خود بدانند تا انگیزه بیشتری برای همراهی و حمایت از آن داشته باشند. به بیان دیگر، شرایط باید به گونه‌ای باشد که مردم، حضور و نقش مؤثر خود در پیشرفت کشور را احساس کنند که بدون شک پیامدهای مؤثری را به همراه خواهد داشت.

«اقتصاد بازدارندگی را به بازار صادراتی تبدیل کنید.» جنگ اخیر یک تأییدیه و گواهی میدانی‌رای صنایع دفاعی ایران صادر کرد که واقعا فرصتی بی‌نظیر است. بسیاری از کشورهای جهان که به دنبال تنوع‌بخشی منابع تجهیزات دفاعی خود هستند، این آزمون را دیده‌اند و به احتمال یاقتن به تجهیزات ایرانی‌ای هستند که در میدان اخیر دست برتر را داشتند. در یک کلام، فرصت تبدیل «قدرت دفاعی» به «صنعتی صادراتی و ارزآور»، با در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی و چارچوب‌های حقوق بین‌الملل، یک مزیت راهبردی مهم برای ایران است که نباید اجازه داد از دست برود. پیشنهاد و توصیه سوم، «سرما‌یه‌گذاری متمرکز در سه فناوری مادر.» ایران اعلام کرده در لیزر، فوتونیک و میکروالکترونیک تمرکز راهبردی کرده است. این انتخاب، انتخابی منطقی و درست است، زیرا این سه فناوری پایه بسیاری از صنایع پیشرفته جهان، از دفاعی تا پزشکی و ارتباطات هستند، اما نکته این است که فقط اعلام این راهبرد به تنهایی کافی نیست و تخصیص بودجه واقعی، جذب نخبگان حتی استعداد‌های ایرانی خارج از کشور، ایجاد پارک‌های فناوری در ارتباط مستقیم با صنعت و تحقق عینی شعار «ارتباطات هستند، اما دانشگاه، از ضروریات تبدیل این هدف مهم به واقعیت است. پیشنهاد و توصیه چهارم، به مردم ایران، «تبدیل تجربه حساسه فرهنگی به پدیل در اختیار دارد. به اعتقاد نویسنده، این تجربه نباید فقط در قالب روایت‌های حماسی باقی بماند، بلکه باید به «اخلاق» منشور کار» مردم ایران در شرایط پسا‌جنگ تبدیل شود. همان انرژی که در مقاومت صرف شد، باید به تولید، نوآوری و کارآفرینی منتقل شود. کارگران و مدیرانی که حتی در زمان بمباران دشمن، کار و کارخانه و دستگاه‌های تولیدی خود را ترک نکردند، قهرمانان اقتصادی این کشور هستند که باید به عنوان الگوی نسل بعد معرفی و برجسته شوند.

■ **جمع‌بندی؛ ایران باز آفرینی در مقابل بازسازی**
تاریخ به ما آموخته که ملت‌های بزرگ نه در آرامش‌های بی‌چالش، بلکه در دوره‌های بحران ساخته می‌شوند. ایران در منطق تاریخ سه دهه اخیر خود، این قاعده را بارها و بارها اثبات کرده است. در پایان باید گفت کشوری که پس از جنگ هشت‌ساله، با دستان خالی، اما اراده‌ای یولادین، صنعت دفاعی را از صفر ساخت، در بسیاری از فناوری‌های رتبه‌های بالا رسید و جزو چند کشور اول جهان شد و در تولید علم انفجاری ترین رشد را در دنیا تجربه کرد، امروز با پایه‌ای به‌مراتب قوی‌تر از دوران پسا‌جنگ عراق وارد هر حله جدیدی از تاریخ خود می‌شود؛ مرحله‌ای که نه صرفاً بازسازی، بلکه یک بازآفرینی مهم و بزرگ است. ایران از این جنگ با نهایت و شرایطی بیرون می‌آید که هیچ موشکی قادر به انهدام آن نیست، تجربه عینی مقاومت در بدنه یک نسل کامل. نسیم نیکلاس طالب آن را ضدشکندگی می‌نامد، پورتر آن را فشار خلاق می‌خواند و تاریخ زاین، کره و ویتنام از آن اثبات کرده است، اما تاریخ یک هشدار نیز دارد، انسجام جهانی اهمیت و واکاوی دارد که تأیید هیچ آزمایشگاهی نمی‌تواند جایگزین آن شود؛ واقعیتی که بازار جهانی آن را می‌بیند و در تصمیم‌های خود به آن توجه می‌کند. در کنار موارد فوق، شهادت رهبر معظم انقلاب ایران